

اشعاری نو یافته در جنگ خطی ۹۰۰ مجلس

محسن شریفی‌صحی* - دکتر حامد خاتمی‌پور**

چکیده

امروزه دیگر در این امر تردیدی نیست که هر گونه مطالعه و جستاری در قلمرو شعر کهن فارسی بدون مراجعه به جنگ‌ها و سفینه‌های شعری کاری ناقص و نا تمام خواهد بود. جنگ‌ها از آن جهت که بعضاً نام و نشان شاعران گمنام و اشعار و آثار آن‌ها را از تصرف زمانه در امان نگاه داشته، حائز کمال اهمیت است. در میان جنگ‌ها و سفینه‌های شعر فارسی، جنگ خطی شماره ۹۰۰ مجلس که به سفینه شعرا و تذکره شعرا نیز شهرت داشته و به دست کاتبی ناشناس تحریر یافته است، به لحاظ مندرجات که در مواردی تازه‌یاب و بی‌سابقه است - ارزش و اهمیت بسیاری دارد. در این نوشتار ضمن توضیحی مجمل درباره مشخصات این سفینه با ارزش که در قرن هشتم هجری قمری کتابت شده است و نیز شرحی کوتاه در ذکر پیشینه تحقیقاتی که بر روی آن صورت گرفته است، نمونه‌های نویافته‌ای از اشعار شاعران نامدار سده‌های ششم و هفتم هجری قمری: معزی، انوری، مجیرالدین بیلقانی و سعدی به دست می‌دهم؛ در واقع در این مقاله دو غزل، یک قطعه و یک رباعی از انوری، یک غزل از معزی، سه غزل، یک قطعه و دو رباعی از مجیرالدین بیلقانی و دو قطعه از سعدی به عنوان اشعاری معرفی شده‌اند که در دیوان شاعران نامبرده موجود نیست.

واژه‌های کلیدی

جنگ خطی ۹۰۰، اشعار نویافته، معزی، انوری، مجیرالدین بیلقانی، سعدی.

مقدمه

جنگ‌ها یا سفینه‌های^۱ شعری - که مشتمل بر اشعار شاعران مختلف است، غالباً نشان‌دهنده ذائقه ادبی جامع خود و نیز نموداری از پسند شعری مردمان آن روزگار است. این مجموعه‌ها از آن حیث که گاه نام و نشان شاعران گمنام و اشعار آن‌ها را از تصرف روزگار در امان نگاه داشته‌اند، حائز اهمیت هستند. امروزه به واسطه انتشار تحقیقات جنگ‌پژوهان، دیگر این امر مسلم گردیده که در تصحیح دیوان شاعران، ناگزیر باید به سفینه‌های شعری نیز توجه داشت؛ چه بسیار که با تورق جنگی، شعری نویافته از شاعری نامدار و یا منتسب به گوینده‌ای دیگر به دست می‌آید و موجب طرح بحث‌های تازه در قلمرو شعر

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) mohsensharifi66@yahoo.com

** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور khatamipur@yahoo.com

فارسی گردد. «در حقیقت جنگ‌ها، گنجینه مستحکمی برای حفاظت چنین مطالب و مضامین واقع شده است» (افشار، ۱۳۹۰: ۱). باید دانست که در چنین سفینه‌هایی همیشه با اشعار شاعران نامدار سر و کار نداریم؛ ممکن است با نام و آثار شاعرانی مواجه شویم که امروزه برای ما آشنا نیستند و در منابع دیگر نیز اطلاعی از آن‌ها به دست نمی‌آید. به عنوان مثال در جنگ شمس حاجی که بتازگی تصحیح شده است از شاعرانی چون بیانی، سمرقندی، حمیدالدین جلی و رضایی شعر نقل شده است (رک: شمس حاجی، ۱۳۹۰: ۱۱۶) مصحح کتاب می‌نویسد: «از این شاعران و شعر آن‌ها تا آن جا که ما جست‌ایم در هیچ جا ذکری نیامده است» (همان).

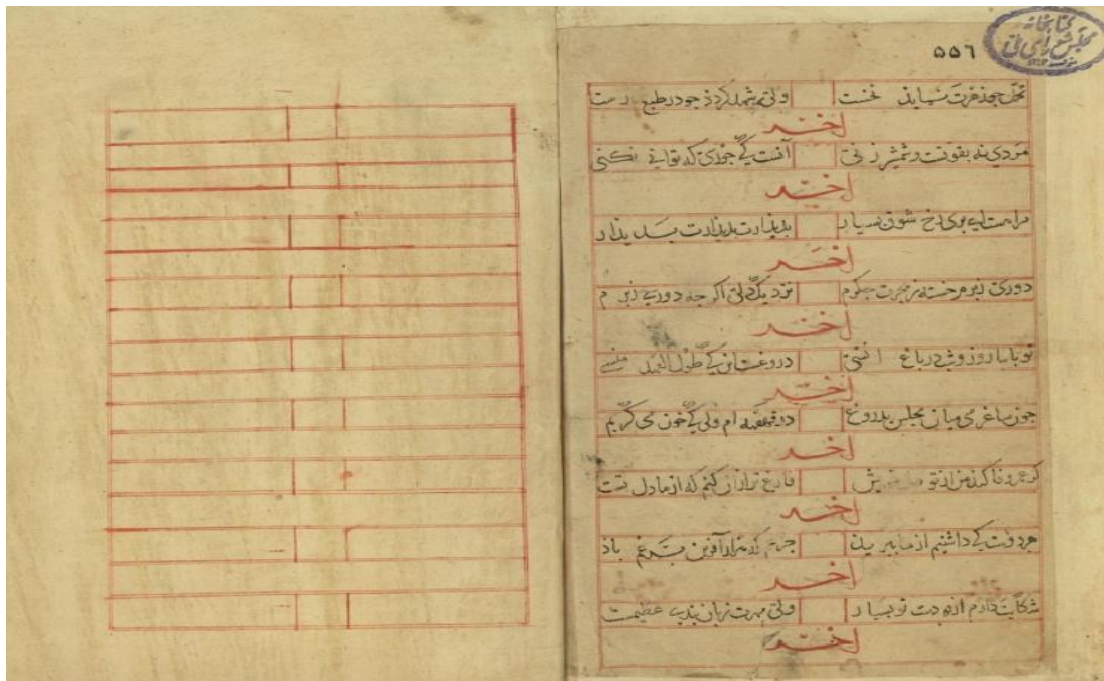
معرفی جنگ ۹۰۰ مجلس

در میان جنگ‌های شعری کهن، جنگ خطی شماره ۹۰۰ مجلس، با عنوان «تذکره شعرا» یا «سفینه شعرا» موجود است که به لحاظ مندرجات که در مواردی نویافته و بی‌سابقه است، ارزش و اهمیتی بسیار دارد؛ چنان که از سالیان دور محققان به آن مراجعه داشته و در تحقیقات خود به آن ارجاع داده اند. جامع این مجموعه، ناشناخته و خط آن نسخ و حجم آن ۵۵۶ برگ است؛ این نسخه دارای صفحه شمار است؛ عناوین نسخه به سنگرف نگاشته شده و اشعار مندرج در آن نیز مجدول به سنگرف است. کاتب در مقدمه منشور خود بعد از حمد و ستایش خداوند و نعت رسول و آل او (ع) با اشعار کمال‌الدین اسماعیل و با بیت زیر دفتر خود را آغاز می‌کند:

در این سفینه نگه کن به چشم معنی بین که رشک صورت مانی و لعبت چین است
و با بیت زیر سخن را به انجام می‌رساند:
شکایت دارم از دست تو بسیار ولی مهرت زبان‌بندی عظیم است

برگ اول و آخر جنگ ۹۰۰





میر افضلی درباره این جنگ چنین گفته است: «از نفایس خطی کتابخانه مجلس، جنگ شعری است که رقم کاتب ندارد؛ اما به تشخیص اهل فن از سده هشتم هجری است و به شماره ۹۰۰ در کتابخانه نگهداری می‌شود» (میر افضلی، ۱۳۸۲: ۱۱۱). ظاهراً نخستین بار محیط طباطبایی از این جنگ نام برده است. او ضمن تحقیقی که درباره زبان تبریزی کرده است، به این سفینه نیز مراجعه کرده و درباره آن گفته است: «از روی نشانه‌ها و قرینه‌ها پیش از مونس الاحرار تنظیم و نوشته شده و به همان اسلوب مونس الاحرار مقدمه منشیانه‌ای دارد» (محیط طباطبایی، ۱۳۱۷: ۷). طباطبایی تاریخ نگارش این جنگ را «پیش از ۷۵۰ و بعد از ۷۱۴» (همان، ۷) دانسته است. قاسم غنی نیز در جمع‌آوری رباعیات خیام از این سفینه بهره برده است (رک: فروغی، ۱۳۲۱: ۵۲). ادیب طوسی نیز در اصلاحاتی که بر فهلویات بابا طاهر داشته به مقابله تک تک فهلویات بابا طاهر در نسخه خطی موزه قونیه با فهلویات وی در نسخه خطی سفینه شعرا پرداخته است که گاه صورت کامل‌تر آن را در سفینه شعرا یافته است (طوسی، ۱۳۳۷: ۱-۳) نفیسی نیز با بهره گرفتن از سفینه شعرا، به ۳ رباعی ابوسعید ابوالخیر به شماره‌های ۵۲۹، ۵۳۶ و ۵۶۲ که در سفینه آمده در کتاب خود اشاره کرده است (ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۳۴: ۱۸۰).^۲

شاعران این مجموعه به ترتیب عبارتند از:

کمال‌الدین اسماعیل، جمال‌الدین عبدالرزاق، انوری، ازرقی، معزی، مختاری، فردوسی، خواجه نصیرالدین طوسی، ابودجامه، جامی، عمادالدین نجاشی، عبدالواسع جبللی، خاقانی، جمال‌الدین عبدالرزاق، کمال‌الدین اسماعیل، ظهیر فاریابی، رشید و طواط، شرف‌الدین شروه، مجیرالدین بیلقانی، اثیر اخسیکتی، فلکی شروانی، منوچهری، نظامی، ناصر خسرو، اوحدالدین رازی، خواجه نصیرالدین طوسی، جلال‌الدین بهاء‌ولد، مفیدالدین اسکانی، عراقی، عطار، امامی، تاج‌الدین اشنویی، سید اشرف، شمس طبسی، خواجه افضل‌الدین، سراج‌الدین قمری، کمال‌الدین سیم‌کش سمرقندی، سعدی، همام تبریزی، ابوعلی سینا؛ از صفحه ۴۸۸ تا ۵۰۲ نیز اغلب قطعاتی آمده است که مربوط به شماری از شاعرانی است که ذکر آن‌ها در بالا رفت. کاتب در صفحه‌های (۵۰۲-۵۰۵) از فهلویات و در صفحه‌های (۵۰۶-۵۰۹) اشعاری از نیریزیات و تا آخر کتاب رباعیاتی از خیام و ابوسعید ابوالخیر و... آورده است.

در این جنگ اشعار چهار شاعر نامدار سده‌های ششم و هفتم هجری (معزی، انوری، مجیرالدین بیلقانی و سعدی) به ترتیب و با مراجعه به دیوان هر یک و نیز مطالعه تذکره‌های شعری بررسی شده است. حاصل این مطالعه و بررسی، یافتن اشعاری است که در دیوان ایشان موجود نیست و نویافته هستند.

۱) ابیات نویافته معزی در جنگ ۹۰۰

تا به امروز نسخه‌ای از دیوان معزی که کتابت آن نزدیک به عصر خود او باشد، در دست نیست. قدیمی‌ترین نسخه‌ای که اقبال در تصحیح دیوان معزی از آن سود جسته مربوط به دوره صفویه است (رک: معزی، ۱۳۱۸: س مقدمه). قنبری و هیروی نیز دو چاپ از دیوان معزی ارائه کرده‌اند که هیچ کدام فرق چندانی با چاپ هفتاد و دو سال پیش اقبال ندارند. زیرا آن‌ها با در دست داشتن همان نسخه‌ای که اقبال از آن بهره برده به چاپ دیوان معزی پرداخته‌اند. «چون متأسفانه نسخه‌ای قدیمی از اشعار وی برای مقابله یافت نمی‌شود، ما نیز بناگزیر همان نسخه مصحح استاد اقبال را نسخه اساس قرار دادیم» (رک: معزی، ۱۳۸۵: صد مقدمه).

اقبال پس از ختم طبع اشعار معزی، به منتخبی از اشعار شش شاعر مکتوب در ۷۱۳-۷۱۴ هجری قمری که در کتابخانه هند در لندن نگهداری می‌شود، دست پیدا می‌کند که نزدیک به ۴۰۰۰ بیت از معزی در آن موجود است و در پایان دیوانی که تصحیح کرده، اضافاتی از آن را می‌آورد (رک: معزی، ۱۳۱۸: ۸۸۲).

ابیات معزی در سفینه شعرا صفحات ۷۲ تا ۸۳ را در بر می‌گیرد. در این نسخه خطی یک غزل به نام معزی ثبت شده است که در چاپ‌های مختلف دیوان وی به چشم نمی‌خورد. غزل مورد نظر در اضافاتی که اقبال از نسخه کتابخانه هند لندن به تصحیح خود افزوده، نیز موجود نیست. این غزل که در صفحه ۸۱ این جنگ آمده است، غزلی نویافته از معزی محسوب می‌شود که در دیوان وی موجود نیست:

چون هوا سردی پذیرد جای ما کاشانه به	مصحف ما ساغر و محراب ما میخانه به
بلبلان از باد دی ماهی به خواب اندر شدند	خوابگاه ما کنون بیغولۀ کاشانه به
با خرد بیگانه ایم امروز و با عشق آشنا	هر که با عشق آشنا شد با خرد بیگانه به
رطل پر در ده که مان در سر خمار عاشقی است	رطل مردان بر خمار عاشقی مردانه به
عاشق و مستم از آن شوریده و دیوانه‌ام	عاشق و مست ای پسر شوریده و دیوانه به
گر نیابد دولت ما از خرد پروانه‌ای	دولت میر مشید در میان پروانه به

(رک: جنگ ۹۰۰: ۸۱)

پس از نقل غزل بالا در جنگ مذکور، جامع، اشعاری از مختاری آورده است؛ نکته قابل تأمل این است که در این قسمت دو قصیده و یک غزل به مختاری نسبت داده شده که در دیوان معزی موجود است. ممکن است صاحب این جنگ در انتساب آن‌ها به مختاری اشتباه کرده باشد؛ گویا پشت سر هم قرار گرفتن اشعار دو شاعر، باعث تداخل در اشعار و انتساب سهوی و ناخواسته اشعار معزی به مختاری می‌گردد:

الف) در صفحه ۸۴ قصیده‌ای ۶۸ بیتی با مطلع زیر به نام مختاری ثبت شده است، حال آن که کامل در دیوان معزی آمده است:

توانگری و جوانی و عشق و بوی بهار	شراب و سبزه و آب روان و روی نگار
----------------------------------	----------------------------------

(معزی، ۱۳۱۸: ۲۳۰)

ب) در صفحه ۸۸ قصیده‌ای ۱۷ بیتی با مطلع زیر به نام مختاری آمده؛ اما تقریباً تمام این قصیده در دیوان معزی ثبت شده است:

چیست آن دریا که هست از بخشش او در جهان
نیل و سیحون و فرات و دجله و جیحون روان
(همان، ۵۰۶)

ممکن است، اشتباه کاتب از این جا ناشی شده باشد که مختاری نیز چیستانی در صفت ابر شبیه به چیستان معزی دارد و گویا کاتب از حافظه خود آن را نقل کرده است و به متن مراجعه نداشته است:

چیست آن دریا که چون پرگشتش از گوهر دهان
زرد رویی بر گرفت او را ز کحلی پرنیان
(مختاری غزنوی، ۱۳۸۲: ۴۶۷)

ج) در صفحه ۹۱ سفینه شعرا غزلی ۱۰ بیتی با مطلع زیر به نام مختاری آمده است و تمام ۱۰ بیت آن در ترجیع بندی از معزی مثبت است:

ای باد صبح دم گذری کن به کوی من
پیغام من بیر به بر ماه روی من^۳
(معزی، ۱۳۱۸: ۷۵۲)

۲) ابیات نویافته انوری در جنگ ۹۰۰

صفحه ۱۰ تا ۵۱ این جنگ به اشعار انوری ابیوردی اختصاص دارد. در میان این اشعار دو غزل، یک قطعه و یک رباعی موجود است که در چاپ‌های دیوان انوری نیامده است و طی بررسی‌های صورت گرفته، در متون دیگر نیز به نام دیگران دیده نشده است.

نفیسی تاریخ قدیمی‌ترین نسخه‌ای که آن را اقدم نسخ دیوان انوری در جهان دانسته و از آن در تصحیح خود استفاده کرده، اوایل قرن هفتم می‌داند (رک: انوری، ۲۵۳۶: ۵۱ مقدمه). همچنین از قدیمی‌ترین نسخه‌هایی که مدرّس رضوی از آن در تصحیح دیوان انوری بهره برده و آن را نسخه اساس خود قرار داده است، نسخه‌ای است که در اوایل قرن هشتم هجری کتابت شده و اصل آن در کتابخانه فاتح در استانبول ترکیه موجود است (انوری، ۱۳۷۶: ۱۲۱ مقدمه). از جهت تقدّم زمانی، نسخه خطی سفینه شعرا با نسخه اساس مدرّس رضوی در تصحیح دیوان انوری در یک قرن کلبت شده‌اند و فاصله زمانی آن با نسخه نفیسی نیز از یک قرن فرا تر نمی‌رود.

ابیات نویافته انوری در سفینه شعرا به شرح زیر است:

غزل یک:

لحظه‌ای آن سنبل از گل وا فکن	غلغلی در عالم بالا فکن
پرتوی از نور رخسارت بتاب	و آتشی در پیر و در برنا فکن
ز آب آن چاه زنخدان چو سیم	قطره‌ای در نرگس رعنا فکن
کار ما چون زلف خود در هم شکن	زلف خود چون کار ما در پا فکن
عاشقان را شربت جلاب ده	شگری زان لعل در دریا فکن
در هوای ذره‌ات سرگشته‌ایم	آفتابا سایه‌ای بر ما فکن
سر همی بر من گران داری چرا	چون جنایت افکنی پیدا فکن ^۴
گر گناهی کرده‌ام اعلام کن	ور غباری هست بر صحرا فکن

با لب‌ت گفتم که بوسی بخش گفت
گر شتابی نیست با فردا فکن
(جنگ ۹۰۰: ۴۱)

غزل بالا با تفاوتی اندک در ضبط واژگان و با ۸ بیت در دیوان جمال‌الدین اصفهانی نیز به ثبت رسیده است (جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۶۲: ۴۷۳). مصراع دوم بیت اول و دوم جا به جا آمده است و بیت چهارم را ندارد. به دلیل علمی نبودن تصحیح این دیوان و عدم معرفی نسخ به کار رفته در تصحیح آن، مشخص نیست غزل مذکور در چند نسخه از دیوان جمال‌الدین و در چه تاریخی به ثبت رسیده است. اما با بررسی‌های صورت گرفته در ۵ نسخه خطی دیوان جمال‌الدین که باختصار به معرفی آن خواهیم پرداخت، غزل بالا در این ۵ نسخه دیده شد:

(۱) دست‌نویسی مکتوب به سال ۱۰۱۷ ه.ق که حاوی اشعاری از جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی است و با شماره دستیابی ۱۶ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود. کاتب آن شهاب‌الدین ابن قطب‌الدین کرمانی نام دارد. غزل مورد نظر در صفحه ۱۶۱ این نسخه موجود است.

(۳) دست‌نویس متعلق به کتابخانه ملی که در سال ۱۰۲۴ ه.ق کتابت شده است؛ شماره دستیابی آن ۹۲۱/ف و کاتب آن محمدرضا ابن میرزا علی خاتون آبادی است. غزل مذکور در صفحه ۳۷۶ آن ثبت شده است.

(۲) سومین دست‌نویسی که حاوی غزل لحظه‌ای آن سنبل از گل... است نیز در قرن یازدهم و در سال ۱۰۳۳ ه.ق کتابت شده است. این نسخه نیز در کتابخانه مجلس موجود است و شماره دستیابی آن ۲۳۹۱ است. کاتب این دست‌نویس مهدی جریادقانی است. غزل ما نحن فیه نیز در صفحه ۲۳۰ آن مثبت است.

(۴) چهارمین نسخه‌ای که حاوی غزل بالا است نیز در قرن یازدهم کتابت شده و متعلق به کتابخانه ملی است. شماره دستیابی به آن ۱۴۷۴/ف است و غزل مذکور در صفحه ۲۶۱ آن مدرج است.

(۵) پنجمین نسخه‌ای که غزل لحظه‌ای آن سنبل از گل... را در بر دارد، به خط عبرت نایینی و به سال ۱۳۴۴ ه.ق کتابت شده است. این غزل در صفحه ۲۹۵ این نسخه موجود است. ترقیمه این نسخه به شرح زیر است:

”حسب الاشارة استادی آقای وحید دستگردی مدیر مجله ارمان به رشته تحریر کشیده شد. به ید اقل الکتاب ابن میرزا عبدالخالق محمد علی شهدادی مصاحبی نایینی متخلص به عبرت در دوشنبه غره سنه ۱۳۴۴ هجری نبوی.“
به نظر می‌رسد دست‌نویس عبرت نایینی همان نسخه‌ای است که وحید دستگردی مصحح دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی در مقدمه تصحیح خود به آن اشاره کرده است:

«تنها دیوانی که ما به دستیاری و زحمات یگانه شاعر استاد آقای عبرت مصاحبی نایینی جمع‌آوری کرده‌ایم در حدود ده هزار بیت است و پس از دو سه سال تصحیح و مقابله با ده نسخه کهن و تازه اینک به چاپ رسیده» (جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۶۲: یط مقدمه).

با توجه به قدمت نسخه جنگ ۹۰۰ در قیاس با ۵ نسخه دست‌نویس دیوان جمال در قرن یازدهم و چهاردهم و نیز تا زمانی که نسخه‌ای قدیمی از اشعار جمال‌الدین اصفهانی به دست نیاید، می‌توان به انتساب غزل مذکور به انوری با احتمال بیشتری سخن گفت.

غزل دو:

ای ترک پیار چنگ و بنواز
آهنگ بگیر و بر کش آواز

چون مست شدی هنوز هم شرم
چون چنگ تو زان خمیده پشتم
بر کش ز تنم اگر رگی نیست
چندین مزنم اگر نه چنگم
گفتی تو که عشق من نهان دار
نگذاشتمی اگر نبودی
از دست شدم هنوز هم ناز
تا روی به روی تو نهم باز
اندر همه پرده با تو دم‌ساز
ور می‌زنم نخست بنواز
مگذار که فاش گردد این راز
رنگ رخ و آب دیده غم‌ساز
(جنگ ۹۰۰: ۴۹-۵۰)

غزل بالا نیز با تغییراتی اندک در مطلع آن که به شرح زیر است در دیوان جمال‌الدین اصفهانی به چشم می‌خورد:

ای ترک بیا و چنگ بنواز
آهنگ بگیر و بر کش آواز
(جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۶۲: ۴۶۵)

غزل بالا برخلاف غزل اول که در ۵ نسخه کتابخانه مجلس و ملی آمده بود، تنها در دست‌نویس عبرت نایینی و در صفحات ۲۸۶ و ۲۸۷ موجود است که به نظر می‌رسد، نسخه عبرت نایینی صورت دست‌نویس متن چاپ شده دیوان مصحح وحید دستگردی است. مصحح دیوان جمال‌الدین نیز قدمت نسخ و شناسنامه آن‌ها را مشخص نکرده است. به زعم نگارندگان، انتساب این غزل به انوری (همچون غزل پیشین) تا زمانی که نسخه‌ای از اشعار جمال‌الدین به دست آید که حاوی این غزل و قدیمی‌تر از نسخه جنگ ۹۰۰ باشد، خالی از اشکال خواهد بود.

قطعه یک: ^۵

چيست آن پیکری که همواره
همچو ماهی در آب غوطه خورد
باطنش همچو ظاهر عاشق
اندر او هم نبات و هم حیوان
نام او یک هزار و هشتاد است
عمر او چون بقای دشمن شاه
نزد دانا فلک مثال بود
شب چو هنگامه خیال بود
لیک نالیدنش محال بود
معدنش سنگ یا سفال بود
با هزار و هزار دال بود
از شبانگاه تا زوال بود
(جنگ ۹۰۰: ۵۰۱)

قطعه دیگری نیز در سفینه شعرا به نام انوری ثبت شده که در دیوان او موجود نیست:

شاهها سزد که دور فلک در هزار سال
در زیر دست هر کس و ناکس نشانیم
بحر است مجلس تو و در بحر بی خلاف
چون من یگانه ای نماید به صد هنر
این جا دقیقه ای است بدانم من این قدر
لؤلؤ به زیر باشد و خاشاک در زیر
(همان، ۴۹۴)

اما قطعه بالا در دیوان رشیدالدین وطواط نیز وارد شده است (رشید وطواط، ۱۳۳۹: ۵۵۸). صاحب مجمع‌الفصحا هم آن را به نام وی ثبت کرده است (هدایت، ۱۳۸۲: ۸۵۳). دولتشاه سمرقندی قطعه مورد بحث را به امیرشاهی سبزواری از شاعران قرن نهم نسبت داده و سرودن آن را مربوط به «وقتی که در مجلس یکی از سلاطین او را مؤخر بر جمعی

نشانند» دانسته است (دولت‌شاه، ۱۳۸۲: ۴۲۷) ادوارد براون نیز در تاریخ ادبی ایران (براون، ۱۳۵۱: ۷۲۷-۷۲۸)، به گفته دولت‌شاه مبنی بر انتساب قطعه فوق به امیر شاهی اشاره کرده است.

با توجه به این که سفینه شعرا قبل از قرن نهم هجری که تذکره دولت‌شاه سمرقندی و دیوان امیرشاهی سبزواری تألیف شده اند، کتابت شده است، بی شک قطعه بالا از امیرشاهی سبزواری نیست؛ اما همین قطعه در دست‌نویس دیگری نیز که متعلق به قرن هشتم است به انوری منتسب شده است؛ «در کتابخانه مجلس جنگ شعر دیگری هم هست (دست‌نویس شماره ۱۴۰۱۷) که از لحاظ نوع خط و شکل گزینش اشعار و ترکیب مجموعه بسیار شبیه جنگ شماره ۹۰۰ است. در دو جای این جنگ (ص ۲۶ و ۲۶۵) تاریخ کتابتی به سال ۶۹۵ و به قلم منصور ابن کمال‌الدین الحسینی دیده می‌شود که هم خط آن متفاوت از خط متن است و هم مرکب آن و احتمالاً کسی آن را بعداً برای کهنه جلوه دادن نسخه نوشته است. با این حال از قراین برمی‌آید که نسخه مربوط به قرن هشتم است» (میرافضلی، ۱۳۸۲: ۱۱۴). قطعه مورد نظر در صفحه ۲۲۰ دست‌نویس مذکور مثبت است و مضاف بر این که در جنگ ۹۰۰ به نام انوری آمده در دست‌نویس ۱۴۰۱۷ نیز به وی منسوب شده است و این امر احتمال انتساب این قطعه را به انوری بیش از پیش تقویت می‌کند.

جامع جنگ در صفحه ۵۰ به نقل رباعیاتی از انوری پرداخته و تا صفحه ۵۱، هفت رباعی از او را نقل کرده که همگی در دیوان وی موجود است؛^۶ او در پایان سفینه به نقل رباعیات شاعرانی پرداخته که اشعاری از اغلب آن‌ها در صفحات قبل آمده است؛ در میان آن‌ها (صفحه ۵۷۱) رباعی دیگری از انوری نقل شده است که در هیچ کدام از چاپ‌های دیوان انوری موجود نیست:

ای خردگی‌ای که رفت از آن کینه مگیر
و آزار من سوخته در سینه مگیر
حالی چو به صد زبان همی خواهم عذر
ای دوست مرا به جرم دیرینه مگیر

در نزهة‌المجالس که «کاتب آن را در ۲۵ شوال ۷۳۱ هجری کتابت کرده و حاوی ۴۰۰۰ رباعی از ۳۰۰ شاعر قدیمی فارسی است» (میرافضلی، ۱۳۸۲: ۳۷) بیست و سه رباعی از انوری آمده است. از این تعداد هشت رباعی در چاپ مدرّس رضوی و پانزده رباعی در تصحیح نفیسی موجود است (خلیل شروانی، ۱۳۷۵: ۷۹).

رباعی مذکور از انوری در بالا، نه در چاپ‌های دیوان او و نه در نزهة‌المجالس وارد نشده است و اگر انتساب آن به انوری در جنگ ۹۰۰ درست باشد، خود غنیمتی است.

۳) ابیات نویافته مجیرالدین بیلقانی در جنگ ۹۰۰

مجیرالدین بیلقانی از شاعران نام دار سده ششم هجری است که از آغاز زندگانی او اطلاع دقیقی در دست نیست؛ ظاهراً وفات او در ۵۷۷ هجری روی داده است (رک: فروزانفر، ۱۳۶۹: ۵۸۹) دیوان وی بر اساس دست‌نویسی متعلق به اوایل قرن یازدهم تصحیح شده است؛ البته اقدم نسخ در بردارنده اشعار مجیر مورخ ۷۴۱ هجری است؛ با این توضیح که فقط ۲۰۰ بیت از ابیات وی را در بر دارد (مجیرالدین بیلقانی، ۱۳۵۸: ۷۹) دیگر نسخ مورد استفاده مصحح مربوط به بعد از قرن دهم هجری هستند (همان، ۸۰-۸۶).

ابیات نویافته مجیرالدین بیلقانی در سفینه شعرا شامل سه غزل، یک قطعه و چهار رباعی به شرح زیر است:
غزل یک:

سازی بز که غم زدگان دیده تر کنند
راهی سبک که شیفتگان شور و شر کنند

در پای کوب فرق فلک پی سپر کنند
تا از کنش‌ها سر گبری به در کنند
حمالی قنینه چو نرگس به سر کنند
چون جام را به تابش می دیده ور کنند
خود را به بوی صبح چو گل هفت پر
لیکن چو گل وضو ز سحر تا سحر کنند
جان در میان نهند و سخن مختصر کنند
(جنگ ۹۰۰: ۲۴۶)

غزل بالا در صفحه ۱۹۴ دست‌نویس شماره ۱۴۰۱۷ مجلس نیز به نام مجیر به ثبت رسیده است.
غزل دو:

ز جام عشق تو در سر خمارها دارم
ز بهر عارض سیمینت کارها دارم
بر آستین ملامت طرازها دارم
بکن تو ناز که من نیز نازها دارم
(جنگ ۹۰۰: ۲۴۷)

ز عشق روی تو در سر خمارها دارم
(انوری، ۲۵۳۶: ۵۴۸-۵۴۹: ۱۳۷۶: ۸۷۶)

بی شراب حرام مست شدم
پس چو گفت ای غلام مست شدم
گویا از کدام مست شدم
زان لب لعل فام مست شدم
که به یک درد جام مست شدم
نه به معنی به نام مست شدم
به حقیقت تمام مست شدم
نه به رسم عوام مست شدم
من خود از بوی بام مست شدم
که من خوش خرام مست شدم
که من بد لگام مست شدم
(جنگ ۹۰۰: ۲۴۷)

غزل بالا در صفحه ۱۶۷ دست‌نویس شماره ۱۴۰۱۷ نیز به نام مجیر به ثبت رسیده است.

بنواز چنگ تا که خراباتیان عشق
بنمای روی و تازه کن ایمان عاشقان
دردی کشان زاویه داران مصطبه
گوش فلک ز نعره و فریاد کر کنند
برخی آن صبح پرستان که هر سحر
چون سرو در نماز مدامند روز و شب
پروانه‌وار از پی یک بوس و یک کنار

بیا که بال لب لعل تو رازها دارم
ز بهر حقه شیرینت بوسه ها دارم
ز نیم جرعه رندان و ساز قلاشان
بگو سخن که مرا نیز صد سخن باشد

ابیات بالا استقبالی از غزل انوری با مطلع زیر است:
بیا که با سر زلف تو کارها دارم^۷

غزل سه:

دوش بی رطل و جام مست شدم
در بزد یار و بی قرار شدم
لعل جانان و باده حاضر بود
می رسمی کجا کند مستی
بارها دیده‌ام به میکده‌ها
لیک هر جا که جرعه‌ای خوردم
دوش چون یار ساقی من بود
چون مرا باده خاصگی دادند
عامیان صبح دم به هوش آیند
ای حریفان حذر کنید از من
آبگینه ز راه بر گیرید

در صفحه ۲۴۶ جنگ ۹۰۰ غزلی به نام مجیر آمده که در دیوان وی موجود نیست؛ اما در دیوان خاقانی مطابق نسخه خطی ۷۶۳ هجری به نام خاقانی آمده است (خاقانی، ۱۳۷۵: ۳۳۹). غزل مزبور در تصحیح عبدالرسولی نیز وارد شده است؛ اما این غزل در تصحیح سجادی که نسخه اساس آن مربوط به سال ۶۶۴ هجری (خاقانی، ۱۳۷۴: ۶۷ مقدمه) و به قول او اقدم نسخ دیوان خاقانی است موجود نیست:

وہ کہ دگر بارہ دل درد تو از سر گرفت	باز بہ پیرانہ سر عشق تو از سر گرفت
یار در آمد بہ کوی شور بر آمد ز شہر	عشق در آمد ز بام عقل رہ در گرفت
تاختن آورد ہجر تیغ بلا آختہ	زحمت ہستی ما از سر ما بر گرفت
لعل تو یک خندہ زد مردہ دلی زندہ کرد	حسن تو یک شعلہ زد سوختہ در گرفت
شیر بہ چنگال قہر گردن آہو شکست	باز بہ متقار لطف بال کبوتر گرفت
صبر و دل و دین و ہوش جملہ ز ما بستند	روح مجرد بماند دامن دلبر گرفت

غزل بالا در نسخه دیوان خاقانی، مربوط به نیمه دوم قرن هشتم هجری وارد شده است؛ حال آن که کاتب سفینه شعرا که آن را به نام مجیر ثبت کرده در اوایل قرن هشتم و قبل از نسخه ۷۶۳ کار کتابت خود را به پایان برده است. با توجه به این که غزل بالا در نسخه کهن خاقانی که در دسترس سجادی بوده موجود نیست و سفینه شعرا قبل از نسخه ۷۶۳ خاقانی کتابت شده است، انتساب آن به مجیر محتمل تر به نظر می‌رسد. ضمن این که غزل بالا در دست‌نویس ۱۴۰۱۷ هم به مجیر و هم به خاقانی منسوب شده است؛ یعنی کاتب این نسخه نیز در انتساب شعر مورد نظر به یکی از دو شاعر تردید داشته است. به دلیل اشتباهی که در بین اشعار مجیر و در وصالی کردن اوراق این نسخه رخ داده است، دو بیت اول غزل ما نحن فیه از چهار بیت بعدی آن جدا شده است و در واقع صفحات ۱۹۴ و ۱۶۷ برگی را که غزل مورد نظر به مجیر منتسب شده است تشکیل می‌دهند. کاتب دست‌نویس نسخه ۱۴۰۱۷ در صفحه ۱۸۸ همین غزل را به خاقانی نیز منسوب کرده است.

رباعی یک:^۸

مایم ز عشق در وبالی کہ مپرس	دل بسته در امید محالی کہ مپرس
گویی کہ چہ می کنم ندانم واللہ	پرسی کہ چگونہ ای بہ حالی کہ مپرس

(جنگ ۹۰۰: ۲۵۱)

در نزهةالمجالس رباعی شبیه به رباعی ذکر شده از مجیر آمده که گوینده آن ناشناس است (خلیل شروانی، ۱۳۷۵: ۶۶۶). بیشتر به نظر می‌رسد، یکی از روی دیگری رباعی خود را ساخته باشد تا این که دو رباعی را تحریف شده به وسیله ناسخان و سروده یک شاعر بدانیم:

دردا کہ شدم شکستہ بالی کہ مپرس	و اندر سر سودای محالی کہ مپرس
نہ مردہ نہ زندہ در غمی کان مپسند	نہ خفتہ نہ بیدار بہ حالی کہ مپرس

رباعی دو:

در دہ می ہمچو ارغوان ای ساقی	کز غم بہ لبم رسید جان ای ساقی
باشد کہ شوم بی خیر و باز رہم	از جور زمانہ یک زمان ای ساقی ^۹

رباعی‌های دیگری نیز در سفینه شعرا به نام مجیر ثبت شده که در دیوان او موجود نیست؛ اما در متون دیگر به نام دیگران نیز آمده است:

جامی که شراب ارغوانی است در او آبی است که آب زندگانی است در او
و آن باده که صد جان و جهان به ارزد پیری است که آتش جوانی است در او
(جنگ ۹۰۰: ۲۵۰)

رباعی بالا در نزهةالمجالس به نام کمال‌الدین اسماعیل (خلیل شروانی، ۱۳۷۵: ۱۸۲) و در دیوان او نیز وارد شده است. (رک: کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۸۹۷).

و:

از خار چو آمد گل رنگین بیرون اندوه کنیم از دل غمگین بیرون
کردند نظاره را عروسان چمن سرها ز دریچه‌های چوبین بیرون
(جنگ ۹۰۰: ۲۵۰)

رباعی بالا در صفحه آخر نسخه خطی تذکره بتخانه - مکتوب در ۱۰۱۰ هجری قمری - (گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۲/ ۵۰۱) به نجیب جرفادقانی و با اختلافی اندک در نزهةالمجالس به نام کمال‌الدین اسماعیل نسبت داده شده است (خلیل شروانی، ۱۳۷۵: ۲۰۳) که البته در دیوان او نیز آمده است (رک: کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۸۵۸). به نظر می‌رسد، حتی با وجود تقدّم زمانی نزهةالمجالس بر سفینه شعرا و تذکره بتخانه که دو رباعی بالا را به کمال نسبت داده است نمی‌توان به یقین آن‌ها را به کمال منتسب کرد؛ زیرا با این که محمد امین ریاحی تاریخ نگارش نزهةالمجالس را به احتمال زیاد اواسط قرن هفتم هجری دانسته است، اما باز تصریح کرده که «به طور دقیق نمی‌دانیم که نزهةالمجالس در چه تاریخی فراهم آمده است» (خلیل شروانی، ۱۳۷۵: ۶۱-۶۳). حتی با فرض قبول گفته ایشان مبنی بر تاریخ نگارش نزهةالمجالس در نیمه قرن هفتم، فاصله تاریخ کتابت آن یعنی ۷۳۱ با زمان کتابت سفینه شعرا یعنی ۷۱۷ تا ۷۵۰ هجری آن قدر زیاد نیست که بتوان براحتی گفته خلیل شروانی مبنی بر انتساب دو رباعی بالا به کمال را پذیرفت و گفته کاتب سفینه شعرا را در انتساب آن‌ها به مجیر رد کرد.

قطعه یک:

به صحرا سخت خوب آمد به چشمم قبای چابک و زلف نگوننت
ندانم ریش داری یا نداداری زبونت کرد خط یا شد زبونت
اگر ریش آوری ریشت به... و گر همچون منی... به...
(جنگ ۹۰۰: ۲۵۱)

قطعه فوق در صفحه ۱۶۸ دست‌نویس شماره ۱۴۰۱۷ مجلس نیز به نام مجیر به ثبت رسیده است.

۴) ابیات نویافته سعدی در جنگ ۹۰۰

از آن جا که روزگار گردآوری این جنگ را نیمه نخست سده هشتم دانسته‌اند (محیط طباطبایی: ۱۳۱۷: ۷؛ ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۳۴: ۱۸۰) و به روزگار حیات سعدی نزدیکی بیشتری داشته است، بنابراین درباره اشعاری که در این جنگ به او منتسب شده، با قطعیت بیشتری می‌توان سخن گفت.

ابیاتی که در جنگ ۹۰۰ به سعدی منسوب شده شامل دو قطعه است که با " ایضاً " به قطعه‌ای از سعدی که در گلستان او نیز موجود است (سعدی، ۱۳۷۴: ۱۱۳) مرتبط شده است:^{۱۰}

سعدی راست

مهر حاجت به نزدیک ترش روی که از خوی بدش فرسوده گردی
اگر گویی غم دل با کسی گوی که از رویش به نقد آسوده گردی

ایضاً

هشت چیز از هشت تن ناید پدید این چنین گفته است مرد نیک دان
از حبش خوی خوش و صلح از عرب غم ز زنگی و سخا از رومیان

ایضاً

با پسر گفتا حکیم اندر جهان تو مدار از هفت تن چشم وفا^{۱۱}
از غلام و خادم و ترک و حبش از زن و شمشیر و اسب مادیان

نتیجه

با بررسی جنگ ۹۰۰ مجلس، به معرفی اشعار نویافته‌ای از چهار شاعر بزرگ سده‌های ششم و هفتم هجری پرداخته شد. دو غزل، یک قطعه و یک رباعی از انوری، یک غزل از معزی، سه غزل، یک قطعه و دو رباعی از مجیر و دو قطعه از سعدی ابیات و اشعار نویافته‌ای بودند که با بررسی جنگ ۹۰۰ به دست آمد. در مجموع شش غزل، چهار قطعه و سه رباعی به دیوان چهار شاعر نام برده اضافه شده است. در واقع بدون احتساب قطعه ۳ بیتی که به نام انوری آمده؛ اما در دیوان وطواط نیز به چشم می‌خورد و نمی‌توان آن را به یقین به هیچ کدام منتسب کرد و دو رباعی که در جنگ ۹۰۰ به نام مجیر ثبت است؛ اما در دیوان کمال نیز موجود است و غزل او که به نام خاقانی نیز آمده است، ۶۴ بیت به گنجینه دیوان چهار شاعر بزرگ پارسی‌گوی اضافه شده است. بر اساس آن چه در این نوشتار آمده است، این نکته مسلم می‌گردد که امروزه یکی از منابع ناگزیر برای هر مصححی، جنگ‌ها و سفینه‌های شعری است. جامعان چنین مجموعه‌هایی با در دست داشتن دست‌نویس‌هایی که بعضاً در تصاریف روزگار از بین رفته است، به نام و اشعار شاعرانی اشاره می‌کنند که امروزه برای محققان قلمرو شعر و ادب فارسی نویافته و بیگانه می‌نماید. این امر ضرورت بررسی این نوشته‌های خطی را نشان می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱ - برای کسب اطلاعات درباره اصطلاحات جنگ، سفینه، مجموعه، بیاض و... و تفاوت آن‌ها با یکدیگر رک: قزوینی، محمد. " استعمال قدیم سفینه به معنی جنگ " مجله یادگار، ج ۴، ش ۴ (آذر ۱۳۲۶) ص ۷۰. نیز رک: افشار، ایرج. سفینه و بیاض و جنگ (مقاله های ایرج افشار) گردآوری میلاد عظیمی، انتشارات سخن، تهران. ۱۳۹۰، ص هفت - نه.

۲ - رباعی‌های مورد نظر در سفینه به ترتیب به شرح زیر است:

رباعی ۵۲۹ (ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۳۴: ۷۷) که در صفحه ۵۳۴ سفینه آمده به شرح زیر است:

رازی که به شب لب تو گوید با من گفتار زبان نگردهش پیرامن

زان سر ز گریبان سخن بر نارد پیراهن حرف تنگ دارد دامن

رباعی ۵۳۶ (ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۳۴: ۷۸) که در صفحه ۵۱۰ سفینه آمده به شرح زیر است:

ای گشته سراسیمه به دریای تو من وی از تو و خود گم شده در رای تو من
من در تو کجا رسم که در ذات و صفات پنهانی من تویی و پیدای تو من

آخرین رباعی که نفیسی به نام ابوسعید در صفحه ۵۱۱ سفینه یافته و در سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر به شماره ۵۶۲ آمده است به شرح زیر است:

ای ناله پیر قرطه پوش از غم تو وی نعره رند می فروش از غم تو
افغان مغان نیره پوش از غم تو خون دل عاشقان به جوش از غم تو

۳ - این بیت در کلیله و دمنه باب پادشاه و فنزه نیز آمده است. (نصرالله منشی، ۱۳۸۶: ۳۰۳).

۴ - مصرع دوم بیت مزبور در نسخه خطی ناخوانا است.

۵ - کاتب در صفحه ۴۹۶ قطعه ای از شاعری گمنام به اسم خواجه نجیب الله نقال آورده است:

شبی تاریک و بادی سخت و ابری تند غرنده غلاما خیز و آتش کن که هیزم هست افکنده
چو آتش بر فروزانی اگر مهمان فراز آید ز مال من تو آزادی که مهمان بهتر از بنده

قطعه بالا در دیوان انوری به چشم می خورد:

شبی تاریک و باد سرد و ابر تند و بارنده غلاما خیز و آتش کن که هیزم داری افکنده
اگر از دود و آن آتش تو را مهمان فراز آید تو از مال من آزادی که مهمان بهتر از بنده

(انوری، ۱۳۷۶: ۷۱۷)

۶ - کاتب در صفحه ۵۲ رباعی آورده که هر بیت آن مربوط به رباعی جداگانه‌ای در چاپ های دیوان انوری است؛ یعنی رباعی مذکور به این صورت که در سفینه شعرا آمده است در دیوان انوری موجود نیست؛ بلکه هر بیت در رباعی جداگانه‌ای قرار دارد و او از دو رباعی موجود در دیوان، رباعی دیگری ساخته است. شاید آن را بتوان بر اشتباه کاتب حمل کرد که دو رباعی را که در ردیف و قافیه شبیه به هم هستند از روی اشتباه با هم ترکیب کرده است:

چون روز علم زد به حسامت ماند چون یک شبه شد ماه به جامت ماند
دوزخ به عتاب جان گزایت ماند فردوس به عرصه سرایت ماند

و دو رباعی موجود در دیوان به شرح زیر است:

چون روز علم زد به حسامت ماند چون یک شبه ماه شد به جامت ماند
تقدیر به عزم تیز گامت ماند روزی به عطا دادن عامت ماند

(انوری، ۲۵۳۶: ۱۳۷۶: ۶۰۲؛ ۹۸۰)

خورشید به روشنی به رایت ماند گردون ز شرف به خاک پایت ماند
دوزخ به عتاب جان گزایت ماند فردوس به عرصه سرایت ماند

(همان، ۲۵۳۶: ۱۳۷۶: ۶۰۲، ۹۷۹)

۷ - گویا انوری مصرع مورد نظر را از متنی کهن اقتباس کرده است؛ این مصرع در مقاماتی مربوط به ابو سعید ابوالخیر که شفیعی کدکنی به تصحیح آن پرداخته‌اند، آمده است. شفیعی کدکنی در مقدمه چشیدن طعم وقت گوید: «در خلال متن نیز

شعرهای دیگری می‌توان یافت که در جاهای دیگر دیده نشده است؛ مانند: بیا که با سر زلف تو کارها دارم» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۱۳۹) مصراع مزبور در قالب غزل در هر دو چاپ دیوان انوری موجود است.

۸ - در صفحه ۲۵۱ سفینه شعرا رباعی به نام مجیر ثبت شده و در دیوان وی نیز آمده است اما جواب آن که در دیوان وی موجود نیست در سفینه آمده است:

مه اهل سپاهان و بد عهدیشان در کار هنر سستی و بد عهدیشان
عیسی دمی ای مجیر دامن در کش زان قوم که دجال بود مهدیشان
کمال الدین کوتاه پای در جواب گوید:

هجو می گویی ای مجیرک دون تا به روی تو هان و هان چه رسد
ت.. در ریش گنجسه و تبریز تا به شروان و بیلقان چه رسد
... در... میسر خاقانی تا به تو خام قلتبان چه رسد

۹ - در صفحه ۵۲۶ سفینه نیز ذیل نام مجیر تکرار شده است.

۱۰ - کاتب در صفحه ۴۹۷، سه بیت از یک غزل را آورده که سراینده آن را نمی‌شناخته و عنوان آن را "لغیره" ذکر کرده است:

جهان بگشتم و آفاق سر به سر دیدم به مردمی اگر از مردمی اثر دیدم
بدین صحیفه مینا و خامه خورشید نگاشته سخنی خوش به آب زر دیدم
که ای به دولت ده روزه گشته مستظهر مباش غره که از تو بزرگ تر دیدم

ابیات بالا در دیوان سعدی چاپ شده‌اند (سعدی، ۱۳۶۲: ۸۶۷) کاتب بعد از آن ذیل "ایضا" دو بیت آورده که اگر آن را ایضاً از لغیره بدانیم، گوینده آن ناشناس باقی خواهد ماند؛ اما اگر مراد کاتب از ایضاً، همان گوینده‌ای باشد که وی شعرش را نمی‌شناخته و شعر او را ذیل عنوان لغیره قرار داده است، می‌توان ۲ بیت زیر را از سعدی دانست:

طلوع کوبه عید بر تو میمون باد که هست طلعت تو بر جهانیان میمون
مخالف تو چو بدر از کسوف در کم و کاست و لیک دولت تو چون هلال روز افزون

۱۱ - به نظر می‌رسد، شکل صحیح قطعه مورد نظر، به صورت زیر باشد تا اشکال قافیه در آن مرتفع شود:

تو مدار از هفت تن چشم وفا با پسر گفتا حکیم اندر جهان
از غلام و خادم و ترک و حبش از زن و شمشیر و اسب مادیان

منابع

- ۱- ابوسعید ابوالخیر. (۱۳۳۴). سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر. با تصحیح، مقدمه و تعلیقات سعید نفیسی. انتشارات کتابخانه شمس.
- ۲- انوری، علی بن محمد. (۱۳۷۶). دیوان. به کوشش محمد تقی مدرس رضوی. تهران: علمی. چاپ چهارم.
- ۳- ----- (۲۵۳۶). دیوان. به کوشش سعید نفیسی. تهران: پیروز. چاپ دوم.
- ۴- براون، ادوارد. (۱۳۵۱). تاریخ ادبی ایران ج ۳. ترجمه و حواشی از علی اصغر حکمت. تهران: ابن سینا. چاپ سوم.
- ۵- مجیرالدین بیلقانی. (۱۳۵۸). دیوان مجیرالدین بیلقانی. تصحیح و تعلیق از محمد آبادی. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران. چاپ اول.

- ۶- جمال‌الدین اصفهانی، کلیات دیوان. به تصحیح وحید دستگردی. تهران: سنایی. چاپ دوم.
- ۷- خاقانی، بدیل بن علی. (۱۳۷۵). دیوان. به اهتمام جهانگیر منصور. با مقدمه بدیع الزمان فروزانفر. تهران: نگاه
- ۸- ----- (۱۳۷۴). دیوان. تصحیح، مقدمه و تعلیق از ضیا الدین سجادی. چاپ پنجم. تهران: زوار. چاپ اول.
- ۹- ----- (۱۳۸۹). دیوان. تصحیح و مقدمه از علی عبدالرسولی. تهران: سنایی. چاپ اول.
- ۱۰- خلیل شروانی، جمال. (۱۳۷۵). نزهة المجالس. تصحیح و مقدمه از محمد امین ریاحی. تهران: علمی. چاپ دوم.
- ۱۱- دولتشاه بن بختیشاه. (۱۳۸۲). تذکرة الشعراء. به اتمام و تصحیح ادوارد براون. تهران: اساطیر. چاپ اول.
- ۱۲- سعدی، مصلح ابن عبدالله. (۱۳۶۲). کلیات. به اهتمام محمد علی فروغی. تهران: امیرکبیر. چاپ سوم.
- ۱۳- ----- (۱۳۷۴). گلستان. تصحیح و توضیح از غلام حسین یوسفی. تهران: خوارزمی. چاپ چهارم.
- ۱۴- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۸۶). چشیدن طعم وقت (مقامات کهن و نویافته بوسعید). مقدمه، تصحیح و تعلیقات از محمد رضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن. چاپ سوم.
- ۱۵- شمس حاجی، محمد. (۱۳۹۰). سفینه شمس حاجی. به تصحیح میلاد عظیمی. تهران: سخن. چاپ اول.
- ۱۶- طوسی، ادیب. (۱۳۳۷). «فهلویات لری». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز. شماره ۴۴. ص ۱-۱۶.
- ۱۷- رشید و طواط. (۱۳۳۹). دیوان. به تصحیح سعید نفیسی. تهران: کتابخانه باران.
- ۱۸- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۶۹). سخن و سخنوران. تهران: خوارزمی. چاپ چهارم.
- ۱۹- فروغی، محمدعلی. (با همکاری قاسم غنی). (۱۳۲۱). رباعیات حکیم خیام نیشابوری.
- ۲۰- کمال‌الدین اسماعیل، ابوالفضل. (۱۳۴۸). دیوان. به اهتمام حسین بحرالعلومی. کتاب فروشی دهخدا.
- ۲۱- گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۳). تاریخ تذکره های فارسی. تهران: سنایی. چاپ دوم.
- ۲۲- محیط طباطبایی، محمد. (۱۳۱۷). «در پیرامون زبان فارسی». مجله آموزش و پرورش. سال هشتم. شماره ۱۰. دی ماه.
- ۲۳- مختاری غزنوی، عثمان. (۱۳۸۲). دیوان. به اهتمام جلال الدین همایی. تهران: علمی. چاپ دوم.
- ۲۴- معزی نیشابوری، محمد. (۱۳۱۸). دیوان. به سعی و اهتمام عباس اقبال. کتاب فروشی اسلامیّه.
- ۲۵- ----- (۱۳۸۵). دیوان. مقدمه، تصحیح و تعلیقات از محمد رضا قنبری. تهران: زوار. چاپ اول.
- ۲۶- میر افضل، علی. (۱۳۸۲). رباعیات خیام در منابع کهن. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. چاپ اول.
- ۲۷- نخجوانی، حسین. (۱۳۳۵). «معرفی یک کتاب مهم خطی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز. شماره ۳۷. ص ۱۵۲-۱۶۴.
- ۲۸- نصرالله منشی. (۱۳۸۶). کلیله و دمنه. تصحیح و توضیح از مجتبی مینوی. تهران: امیرکبیر. چاپ سی و دوم.
- ۲۹- هدایت، رضا قلی خان. (۱۳۸۲). مجمع الفصحا. به کوشش مظاهر مصفا. تهران: امیرکبیر. چاپ دوم.

دست‌نویس‌ها

- ۱- مجلس (۱۰۱۰). دست‌نویس تذکره بتخانه. به شماره دستیابی ۱۲۰ ط، کاتب محمد صوفی مازندرانی.
- ۲- مجلس (بی تا). دست‌نویس جنگ ۹۰۰. به شماره دستیابی ۹۰۰، کاتب ناشناس.
- ۳- مجلس (۶۹۵). دست‌نویس مجموعه دیوان‌ها. به شماره دستیابی ۱۴۰۱۷ کاتب منصور ابن کمال‌الدین الحسینی.
- ۴- مجلس (۱۰۱۷). دست‌نویس دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی. به شماره دستیابی ۱۶، کاتب شهاب‌الدین ابن قطب‌الدین کرمانی.
- ۵- مجلس (۱۰۳۳). دست‌نویس دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی. به شماره دستیابی ۲۳۹۱، کاتب مهدی جریادقانی.
- ۶- ملی (۱۰۲۴). دست‌نویس دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی. به شماره دستیابی ۹۲۱/ف، کاتب محمد رضا ابن میرزا علی خاتون آبادی.
- ۷- ملی (قرن یازدهم). دست‌نویس دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی. به شماره دستیابی ۱۴۷۴/ف، کاتب ناشناس.
- ۸- ملی (۱۳۴۴ ق). دست‌نویس دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی. شماره رکورد ۲۲۱۰۵۱۴، کاتب عبرت مصاحبی نایینی.